

**حضرت مهدی «عج» روح حج**

روح حج، ولایت است و در عصر غیبت بین این عمل عبادی سیاسی و امام مهدی (علیه السلام) پیوندی عمیق وجود دارد ...

**اشاره:**

روح حج، ولایت است و در عصر غیبت بین این عمل عبادی سیاسی و امام مهدی (علیه السلام) پیوندی عمیق وجود دارد . در این نوشتار، ضمن بررسی پیوند آغازین و نهایی «حج و ولایت» ، و «کعبه و امامت» به جلوه هایی از پیوند آن سرزمین مقدس با امامت خصوصا امام زمان (علیه السلام)، اشاراتی بیان شده است .

ای حریم کعبه، محرم بر طواف کوی تو

من به گرد کعبه می گردم به یاد روی تو

گرچه بر محرم بود بوییدن گل ها، حرام

زنده ام من ای گل زهرا ز فیض بوی تو

اشک ها از هجر تو نم جو زمزم شد روان

کی رسد این تشنگان را قطره ای از جوی تو (1)

حج که از فرایض بزرگ اسلام (2) و اعظم شعائر دین و ارزش مندترین اعمال برای قرب به خدا است، (3) رکن وثیق و حبل متینی است که میراث فرشتگان و پیامبران (4) و شجره ی طوبای ابراهیم در طور سینای مکه است (5) و فرزند برومندش اسماعیل (علیه السلام) نیز عهده دار وظیفه ای می شود (6) تا همگان به این میقات آیند و در جای آن حرم و حریم پاک و کانون نور، با پیوند با روح آن، یعنی «ولایت» (7) ، ضمن پذیرفته شدن اعمال، و نائل شدن به کمال، جان تشنه را سیراب، و رخسار خسته را طراوت بخشند . حج، که با وجود یک عبادت بودن، جامع چندین عبادت است (8) و هیچ عمل و عبادتی همپایه ی او نیست (9) و بهایی جز رضوان و بهشت جاوید ندارد، (10) با این حال، اگر شخصی، همه ی عمرش را در به جا آوردن آن سپری کند، ولی به روح آن، آگاه نباشد، حج او فاقد ارزش و اعتبار است . (11)

اصولا ارکان و احکام دین، دارای شرایطی است . که رعایت آن ها، سبب صحت آن ها می شود . حج نیز چنین است . انسان، برای صحیح بودن حج اش باید شرایط آن را رعایت کند، ولی نسبت به روح آن، یعنی معرفت امام، همواره باید ملتزم بود . (12) بنابراین، حج بدون «ولایت» ، طواف بدون «امامت» ، حضور در عرفات بدون «معرفت» ، قربانی در منی بدون فداکاری در راه «ولی زمان» ، رمی جمره بدون دور کردن صفات رذیله ی مخالف با راه «امام زمان» ، سعی بین صفا و مروه، بدون سعی در صراط صفا و مروت و بی کوشش در شناخت بهتر و اطاعت امام، بی حاصل است و سودی ندارد . ساده ترین عمل در حرم امن الهی، نظر به کعبه است، که ثواب نیز دارد، (13) لکن بر اساس این که کلمه ی توحید، به شرط ولایت، حصن امن و دژ نجات است، (14) نگاه هماهنگ با ولایت و عارفانه به کعبه نیز مایه ی بخشش گناه و پایه ی نیل به مقامات است . امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

من نظر الی الکعبه بمعرفة فعرف من حقنا و حرمتنا مثل الذی عرف من حقها و حرمتها فغفرالله ذنوبه و کفاه هم الدنیا والآخرة (15) ; هر کس با معرفت و شناخت به کعبه بنگرد و حق و حرمت ما را مثل همان که از حق و حرمت کعبه می شناسد، بشناسد، خداوند، گناهان اش را می آمرزد و او را از اندوه دنیا و آخرت کفایت می کند .

از این رهگذر، معنای حدیثی که درباره ی محبوبیت سرزمین مکه و همه ی آن چه در فضای آن، اعم از خاک و سنگ و درخت و کوه و آب (16) است، روشن خواهد شد؛ یعنی، منطقه ی حرم که ادراک حق و حرمت آن آمیخته به عرفان حق ولایت و امتثال آثار ولا است، محبوب ترین چیزها خواهد بود و چیزی همتای محبوبیت آن نیست .

دل، بی تو، تمنا نکند کوی منی را

زیرا که صفایی نبود بی تو، صفا را

باز آبی که تا فرش کنم دیده به راهت

حیف است که بر خاک نهی، آن کف پا را

به عبارت دیگر، کعبه و حرمت اش، زمزم و شرافت اش، صفا و مروه و صفایش، قربان گاه و تقوای قربانی اش، رمی جمرات و طرد شیطان اش، عرفات و نیایش خالصانه اش، سرزمین حرم با همه ی برکات اش، در پرتو ولایت و امامت رسول خدا و اهل بیت (علیهم السلام) است . اگر کعبه به همه ی شرافت ها مزین است، روح عمل و مناسک آن، ولایت و امامت و شناخت امام و خضوع در برابر او است . (17)

از این رو، آن گاه که فضائل امیرمؤمنان امام علی (علیه السلام) مطرح شد و عده ای خود را برتر می پنداشتند، خداوند، در بیان برتری آن حضرت به عنوان برجسته ترین مصداق اهل ایمان و جهاد فرمود:

«اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن آمن بالله والیوم الآخر و جاهد فی سبیل الله لایستون عندالله» ; (18) آیا سیراب کردن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند کسی پنداشته اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه

خدا جهاد می کند؟ [نه، این دو] نزد خدا یکسان نیستند . (19)

بنابراین، علم و عمل به این مطالب، بسیار مغتنم است؛ یعنی، کسانی که به حج مشرف می شوند، باید بدانند که حج . اسراری دارد و یکی از آن اسرار، هماهنگ بودن افکار و اعمال با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) است تا حج کاملی انجام دهند و روح شان متعالی گردد .

چنین نیست که اگر مستطیعی به مکه رود و حج گذارد، بدون آگاهی از اسرار آن، حج واقعی و کاملی را اقامه کرده باشد! امام سجاد (علیه السلام) به «شیلی» که از اسرار بی خبر بود، فرمود: «... بنابراین، تو، نه به میقات رفته ای، نه احرام بسته ای، ...» . (20)

در این روایت، سخن از نفی «کمال» است، نه نفی «صحت» . ممکن است حج چنین کسی، صحیح باشد و قضا کردن نخواهد و در ظاهر، ذمه اش بری شده باشد، لکن به جهت بی خبری از اسرار، در همان سیرت متعالی نشده، باقی مانده باشد . (21)

بنابراین، روح آهنگ و قصد خانه ای که به سوی آن ره می سپاری، «ولایت» است و میان آن دو، پیوندی عمیق است، و زائر، در تمام نقاط این حرم، خصوصا کعبه، و تمام لحظه های به جای آوردن مناسک آن، خصوصا طواف، شمیم دل نواز و جان فزای عطر امامت و ولایت را با جان احساس می کند . در این جا، به نمونه هایی از پیوندهای حج و ولایت، کعبه و امامت، اشاره می شود .

### 1 - امامت و بنای کعبه

این بنای توحید را پیامبری تجدید بنا و احیا کرد که بعد از ابتلائات فراوانی که همه در سمت و سوی حج است (22) ، به مقام رفیع امامت رسید . خداوند تبارک و تعالی در این خصوص می فرماید:

«و اذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماما» ؛ هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسائل گوناگونی آزمود، و او، به خوبی، از عهده ی این آزمایش ها بر آمد، خداوند به او فرمود: «من، تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم.» (23)

آری، کعبه، به دست ابراهیم خلیل الرحمان که امام است، تجدید بناء شد و سکه ی حج به نام او ضرب شد و این مراسم را «حج ابراهیمی» نامیدند . لذا وارث او، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، به هنگام ظهور، در کنار کعبه، به تمام عالمیان صلا دهد که «هر کس می خواهد با من درباره ی ابراهیم گفت و گو کند، بداند که من نزدیک ترین مردم به ابراهیم هستم.» . (24)

### 2 - امام مولود کعبه

تنها کسی که در این عالم خاکی، در میان کعبه، پا به عرصه وجود گذاشته است، امیرمؤمنان حضرت علی ابن ابی طالب (علیه السلام) است که با تولدش، پرده از راز و رمز شرافت و قداست این خانه بر می دارد . (25)

این فضیلت بزرگ را قاطبه ی محدثان و مورخان شیعه و دانشمندان علم انساب، در کتاب های خود نقل کرده اند . در میان دانشمندان اهل تسنن نیز گروه زیادی به این حقیقت تصریح کرده اند و آن را یک فضیلت بی نظیر خوانده اند . (26)

حاکم نیشابوری می گوید: «ولادت علی در داخل کعبه، به طور تواتر به ما رسیده است.» . (27)

آلوسی بغدادی، صاحب تفسیر معروف می نویسد: «تولد علی در کعبه، در میان ملل جهان، مشهور و معروف است و تا کنون کسی به این فضیلت دست نیافته است.» . (28)

زائری که بر گرد این خانه طواف می کند و رو به سوی آن نماز می گزارد، باید معترف به این فضیلت باشد که نمودی از پیوند این دو است . (29)

### 3 - امام، مطهر کعبه

یکی دیگر از جلوه های پیوند حج با ولایت، پاک سازی مرکز توحید از بت ها، به دست امیرمؤمنان است . بت شکنی که آیین ابراهیمی است، یک بار دیگر در سال هشتم هجری، بعد از فتح مکه صورت گرفت

شاعر سخنور حله، «ابن العرندس» که از شاعران قرن نهم اسلامی است، در قصیده ی خود در باره ی این فضیلت چنین می گوید:

وصعود غارب احمد فضل له

دون القرابة والصحابة افضلا

صعود علی (علیه السلام) بر دوش احمد (صلی الله علیه وآله وسلم) فضیلتی است برای او . این فضیلت، غیر از خویشاوندی و هم نشینی است .

علامه ی امینی، (رحمة الله علیه)، نیز این فضیلت را از زبان بیش از چهل تن از محدثان و تاریخ نگاران پیروان مکتب خلفا نقل می کند . (30)

### 4 - امام، مبلغ حج

تبلیغ آیات سوره ی براءت از سوی امیرمؤمنان (علیه السلام) در سال نهم هجری، جلوه ای دیگر از این پیوند است . تقریبا، تمام مفسران و مورخان، اتفاق نظر دارند که هنگامی که آیات نخستین سوره ی براءت، قبل از فرا رسیدن مراسم حج، نازل شد، پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) برای ابلاغ این فرمان که در باره ی وضع باقی مانده ی مشرکان بود، آن را به ابوبکر داد تا درموقع حج، در مکه، برای عموم مردم بخواند، ولی آن را گرفت و به امام علی (علیه السلام) داد و او مأمور ابلاغ

آن گردید . ایشان هم در مراسم حج، آن آیات نورانی را ابلاغ کرد . (31)  
از این که امام علی (علیه السلام) در مراسم حج آن سال شرکت می کند و علاوه بر ابلاغ آیات نورانی قرآن کریم، خطبه می خواند (32) و مردم را از حج جاهلی، نهی، و به حج ابراهیمی دعوت می کند، در می یابیم که میان حج و ولایت، ارتباط مستقیمی وجود دارد .

### 5 - آخرین حج و ولایت

بارزترین جلوه ی این پیوند در «حجة الوداع» تجلی دارد . از این که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) ماموریت می یابد که مناسک حج و خلافت و ولایت و امامت بلافصل خود را در آخرین سفر حج، به سمع و نظر جهانیان برساند، در می یابیم که این دو، پیوندی ناگسستنی دارند .

شکافنده ی دانش ها، امام محمد باقر (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) از مدینه، عازم سفر حج شد، در حالی که همه ی احکام دین، غیر از حج و ولایت را رسانده بود . جبرئیل (علیه السلام) نزد او آمد و عرضه داشت: «ای محمد! خداوند بلند مرتبه، سلام ات می رساند و می فرماید: من، هیچ پیامبری از پیامبران ام و رسولی از فرستادگان ام را قبض روح نکردم مگر بعد از کامل کردن دین ام و تاکید بر حجت ام . از دین تو، دو فریضه باقی مانده که ابلاغ آن بر قوم ات، لازم است: فریضه ی حج و فریضه ی ولایت و خلافت بعد از خودت . من، زمین ام را از حجت ام خالی نگذاشتم و هرگز خالی نخواهم گذاشت . خداوند به شما امر می کند که حج را به قوم ات ابلاغ کنی و خود، حج به جا آوری و هر که از مردم مدینه و اطراف آن و عرب، استطاعت دارد، با تو حج گزارد و از نشانه های حج شان به آنان بیاموزی، مانند آن چه که از نمازشان و زکات شان و روزه شان به ایشان آموختی . . .» . (33)

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به آخرین حج می رود و همان طوری که درباره ی نماز فرموده بود: «صلوا کما رایتُمونی اصلی» (34) در این حج نیز می فرماید: «خذا عنی مناسککم» (35) منتها در ابلاغ پیام مهم تر، از توطئه ی مخالفان و دشمنان و سرپیچی آنان بیم دارد که پیک وحی از سوی خداوند متعال می فرماید:

«یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس» ; ای پیامبر! آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملا (به مردم) برسان و اگر نرسانی، رسالت او را انجام نداده ای و خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می دارد . (36)

پیامبر نیز در سرزمین «غدیر خم» ، مردم را جمع کرد و امیرمؤمنان را به عنوان ولی و خلیفه ی بلافصل خود معرفی کرد و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» . (37)

امین وحی الهی نازل شد و این آیه را بر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) خواند: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا» (38) ; امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل، و اسلام را به عنوان آیین شما پذیرفتم .

با توجه به این مطالب، بر حاجی فرض است، علاوه بر انجام دادن فریضه ی حج، به روح آن، یعنی فریضه ی ولایت توجه داشته باشد؛ چرا که تمام مناسک حج، نشانی به سوی ولایت است و اگر توام با آن نباشد، ارزشی ندارد .

اکنون، سر این که چرا به هنگام طواف، باید بین خانه و مقام بود، و چرا نماز طواف را پشت سر مقام ابراهیم (علیه السلام) خواند، روشن می شود؛ زیرا، این رموز، به ما می آموزد، طوافی با ارزش است که ما بین توحید و امامت باشد . نیز نباید جلوتر از مقام ایستاد، چون، سبقت بر امام، ما را به وادی حیرت و ضلالت می کشاند . همان طوری که به ما دستور داده اند، برای نماز، جلوی قبر مطهر امام نمی توان ایستاد . (39)

اگر کعبه، مطاف خاکیان است

و یا گر قبله ی افلاکیان است

طواف کعبه و دل های عشاق

به گرد مهدی صاحب الزمان است (40)

### 6 - عرفه و عرفان ولایت

روز عرفه، ظرف مناجات و نیایش، (41) و عرفه، سرزمین اشک و دعا (42) برای یافتن معرفتی عمیق تر است . ادعیه ی شیعه، سرتاسر معارف ناب و درس های بسیار جامعی را در بر دارد . در بخشی از دعای عرفه سید الساجدین و زین العابدین (علیه السلام) این چنین آمده است:

پروردگارا! تو، برای هر عصری، امامی شایسته ذخیره کرده ای که به دست او، آن چه را دیگران از بین برده اند، احیا کنی . خدایا! او را تایید کن و ما را از کسانی قرار ده که اوامرش را امتثال می کنند . . . (43)

عرفان به ولایت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) انسان را از زندگی جاهلی می رهاند و سبب می شود که حج اش نیز جاهلی نباشد . اگر کسی امام زمان اش را نشناسد، علاوه بر مرگ جاهلی، زندگی جاهلی دارد . لذا همواره باید دعا کرد که: «. . اللهم عرفنی حجتک؛ فانک ان لم تعرفنی حجتک، ضللت عن دینی؛ (44) خدایا، حجت ات را به من بشناسان، که اگر حجت خود را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می شوم» .

معرفت و ارادت به «ولایت» ، بسیار مهم و با ارزش است . امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «ما نبی ء نبی قط الا بمعرفه حقتنا و بفضلنا علی من سوانا؛ (45) هیچ پیامبری به نبوت نرسید، مگر از طریق معرفت نسبت به حق ما و برتری دادن ما بر غیر ما» .

وقتی نبوت که از عالی ترین منصب های الهی است، به این سبب حاصل شده باشد، جز این است که عالی ترین اسرار حج، توام با ولایت باشد؟

در برخی از احادیث، مصداق آیه ی شریف «ومن دخله کان آمنا (46)» را افرادی بیان فرموده که داخل حصن حصین اعتقاد و التزام به ولایت و امامت شده باشند. این، به نوبه ی خود، جلوه ای از پیوند حج و ولایت است.

امام صادق (علیه السلام) در پاسخ پرسش از معنای آیه ی شریف «فیه آیات بینات مقام ابراهیم و من دخله کان آمنا» فرمود: «اطلاق آن، مراد نیست؛ زیرا، ملحدان و صاحبان عقاید باطل نیز در آن جا داخل می شوند و حال آن که در امان نیستند، بلکه مراد، کسانی هستند که هم عارف به حق ما باشند و هم جایگاه والای کعبه را بشناسند. این افراد، اگر داخل کعبه شوند از گناهان خود پاک شده و دنیا و آخرت آنان کفایت خواهد شد.» (47)

#### 7 - حج، میعاد با ولایت

طواف بر گرد سنگ های کعبه، مقدمه ی آن چیزی است که ائمه (علیهم السلام) ما را به آن امر فرموده اند. (48) کعبه ی سنگ، نشانی است که ره گم نشود

حاجی! احرام دگر بند، بین یار کجاست

امام محمدباقر (علیه السلام) با مشاهده ی طواف کنندگان کعبه می فرماید: «در جاهلیت هم، این چنین، هفت دور بر گرد این کعبه می گشتند. مردم، مکلف اند اطراف این سنگ ها بگردند و پس از آن نزد ما آمده، مودت و نصرت و آمادگی شان را بر ما عرضه کنند.» (49)

سپس حضرت (علیه السلام) به سخن حضرت ابراهیم (علیه السلام) که در قرآن آمده، استشهاد کرد و آن را تلاوت فرمود: «فاجعل افئدة من الناس تهوی الیهم» (50)؛ پروردگارا! تو، دل های گروهی از مردم را متوجه آنان ساز.

در روایت دیگری امام باقر (علیه السلام) به «قتادة بن دعامة» معروف به «فقیه اهل بصره»، ضمن استشهاد به این آیه ی شریف می فرماید: «مراد، تمایل قلب ها به سمت کعبه نیست. اگر چنین بود، باید با ضمیر مفرد (الیه) می فرمود و نه جمع (الیهم). به خدا سوگند! آن که ابراهیم فرا خواند تا قلب ها به سوی او متمایل شود، ماییم...» (51)

خدای سبحان، بعد از آن که جای خانه را برای ابراهیم آماده ساخت تا او، آن خانه را بنا کند، به او فرمود: «و اذن فی الناس الحج یاتوک رجالا و علی کل ضامر یاتین من کل فج عمیق» (52)؛ مردم را دعوت عمومی کن تا پیاده و سواره بر مرکب های لاغر، از هر راه دوری به سوی تو بیایند.

نکته ی بسیار دقیق و ظریف، در کلمه ی «یاتوک» نهفته است. مردم، حج مشرف شوند، اما نه «یاتونا» (به سوی ما)، بلکه «یاتوک» (به سوی تو) که ولی زمان هستی.

گویا، حج، مقدمه ای برای رفتن و حاضر شدن در محضر ولی زمان (علیه السلام) است. پنجمین پیشوای حق بعد از نبی (صلی الله علیه وآله) می فرماید: «مردم، فرمان داده شده اند تا نزد این سنگ بیایند و برگرد آن ها طواف کنند و سپس نزد ما آیند و دوستی و نصرت خود را اعلام کنند.» (53)؛ یعنی، زمینه ی «حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود الناصر» (54) را فراهم کنند.

اگر محتوای حج و روح کعبه، حضور و اعلام آمادگی نزد معصوم (علیه السلام) نباشد، مکه، همان بازار عکاظ، و کعبه، جایگاه بت ها و تولید آن، در شب نشینی مستانه با مشک شراب معاوضه می شود. (55)

این مسئله ی پر رمز و راز، «حج ابراهیمی» را از «حج جاهلی» امتیاز می بخشد. امام محمد باقر (علیه السلام) درباره ی ملاقات امام عصر و اعلام آمادگی بر حمایت و اطاعت، می فرماید:

فعال کفعال الجاهلیة! اما - والله! - ما امروا بهذا و ما امروا الا ان یقضوا تفتهم ولیوفوا نذورهم! فیمروا بنا فیخبرونا بولایتهم ویعرضوا علینا نصرتهم؛ (56) این اعمال، مانند اعمال زمان جاهلیت است! آگاه باشید! به خدا سوگند! مردم، به حج مامور نشدند و مامور نگشتند، مگر این که مناسک حج و حلق و تقصیر به جا آوردند و به عهد و نذرهای خویش وفا کنند و بر ما بگذرند و ولایت و محبت شان را به ما اطلاع دهند و نصرت و یاری خود را بر ما عرضه دارند.

حرم و زمزم و صفا باشد

از صفای تو با صفا، مهدی! (57)

#### 8 - تمامیت حج

درباره ی اتمام حج و عمره که در آیه ی شریف «واتموا الحج والعمرة لله» (58) بدان امر شده، گذشته از بحث های فقهی، در برخی از روایات، زیارت و لقای امام (علیه السلام) به عنوان متمم حج بیان شده است.

شکافنده ی علوم، امام محمد باقر (علیه السلام) در این خصوص می فرماید: «تمام الحج لقاء الامام (59)؛ تمامیت حج، دیدار با امام است.»

ابخوش آن روز که به تو گردد مقبول

در بر خالق یک تا به دو صد تحسینم

ای خوش آن روز که در آخر برنامه ی حج

وصل روی تو دهد ای مه تسکینم

امام جعفر صادق (علیه السلام) در این خصوص می فرماید: «اذا حج احدکم فلیختم حجه بزیارتنا؛ لان ذاک من تمام الحج؛ (60) هنگامی که، یکی از شما، حج انجام داد، حج اش را به زیارت ما ختم کند؛ زیرا، زیارت ما، از (نشانه های) تمامیت حج است.»

وقتی یحیی بن یسار، بعد از حج، به محضر ولی زمان اش امام جعفر صادق (علیه السلام) بار می یابد، حضرت (علیه السلام) می فرماید: «حاج بیت الله و زوار قبر نبیه و شیعة آل محمد! هینئالکم؛ (61) حاجیان خانه ی خدا و زائران قبر پیامبر او و شیعه آل محمد! گوارا باد بر شما.» .

از این فرمایش، به دست می آید که اگر انسان، محضر ولی زمان اش را درک کند، شیعه و زائر حقیقی و حاجی واقعی است . ذریح محاربی که جایگاه ویژه ای نزد امام صادق داشته و دارای کتاب بوده است، می گوید: به آن حضرت (علیه السلام) عرض کردم: «خداوند، در قرآن کریم، مرا مامور به کاری کرده که من دوست دارم آن را انجام دهم.» . امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: «آن کار چیست؟» .

عرض کرد: «این فرموده ی خداوند عزوجل که «ثم لیقضوا تفتهم ولیوفوا نذورهم» .» . (62) آن حضرت فرمود: منظور از «لیقضوا تفتهم» تشریف به حضور امام است و مراد از «ولیوفوا نذورهم» انجام دادن مناسک حج است .

عبدالله بن سنان که این روایت را از ذریح محاربی نقل می کند، می گوید: به خدمت امام صادق (علیه السلام) شرف یاب شدم و عرض کردم: «آیه ی «ثم لیقضوا تفتهم ولیوفوا نذورهم» را برای ام معنا کنید.» . آن حضرت فرمود: «به معنای کوتاه کردن موی شارب و چیدن ناخن و مانند آن است.» . عرض کردم: «ذریح محاربی، از شما روایت کرد که مراد از «لیقضوا تفتهم» لقای امام، و مراد از «ولیوفوا نذورهم» انجام دادن آن مناسک است.» . امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر دو نفر شما، راستگو و صادق اید، لکن قرآن کریم، همان گونه که ظاهری دارد، باطنی هم دارد که کسی جز ذریح (و امثال او) تحمل آن را ندارد.» (63) .

چو جان شود محرم، به تن احرام گیری

کز وعده ی دیدار جانان کام گیری

وز زمزم چاه زنخدان جام گیری

بوسی حجر خال لب لعل نگاران (64)

آن چه در ایام حج مهم است، هماهنگ بودن با امام عصر (علیه السلام) است . اگر امام زمان، محرم به احرام نشد و برای نابود کردن ریشه ظلم و فساد، از مکه به سوی کوفه خارج شد، کسانی که در لباس احرام می مانند و حاضر به یاری او نیستند، محرم واقعی و محرم اسرار نیستند، و حتی خداوند از خراب شدن کعبه بر سر آنان ابا ندارد . شیخ صدوق در پاسخ این سؤال که «چرا خداوند، کعبه را از تهاجم سپاه ابرهه مصون داشت، اما مانع ویرانی کعبه به دست حجاج (65) نشد؟»، می نویسد:

حرمت کعبه، برای آن است که دین محفوظ بماند و حافظ دین، امام معصوم (علیه السلام) است . ابن زبیر، امام زمان خویش را نشناخت و او را یاری نکرد، بلکه خود داعیه ی رهبری داشت . از این رو، به کعبه هم که پناه برد، خداوند به او پناه نداد، اما ابرهه، برای ویران کردن قبله و از بین بردن مطاف آمده بود، لذا خداوند به او امان نداد . (66)

از این حادثه، قدر امام و حرمت ولایت و عزت خلافت، به خوبی، دانسته می شود . حرمت حرم و بلد امین، به صاحب ولایت است . در عرفاتی که امام نباشد، معرفتی نیست؛ در مشعری که امام نباشد، شعوری نیست؛ در منی اگر امام نباشد، شیطان واقعی رمی نمی شود؛ اگر کنار آب زمزم، امام نباشد، نشانه ی حیات واقعی نیست، بلکه سراب است گرچه حیات هر زنده ای وابسته به آب است (من الماء کل شیء حی) (67) ولی حیات انسانی و معنوی، معرفت امام است (دعاکم لما یحییکم) (68) و خدا و رسول اش، ما را برای این حیات خوانده اند و بر ما وظیفه ای جز اجابت نیست . (69)

کعبه ی حق طلبان، قبله ی ارباب نیازی

مشعر اهل وفا، مروه ی اصحاب صفایی (70)

خوشابه حال زائری که قبل از سفر و در طول این سفر، به عشق دیدار کعبه ی مقصود و قبله ی موعود، زمزمه کنند که: «اللهم! ارنی الطلعة الرشیدة والغرة الحمیدة واکحل ناظری بنظرة منی الیه؛ خدایا! آن چهره ی زیبا و ارج مند و پیشانی درخشان و نورانی را به من بنما و سرمه ی وصال دیدارش را به یک نگاه به دیدگان ام بکش.» ; (71) زیرا، روح حج، زیارت کعبه ی دل است، نه کعبه ی گل، و کعبه ی دل ما، همه ساله، در حج حضور دارند .

آمدم این جا که یار خویش را پیدا کنم

دیده را از نور روی ماه او بینا کنم

آمدم این جا که رد پای مولا را مگر

در کنار زمزم و رکن و حجر پیدا کنم

آمدم این جا که، تا شاید به هنگام طواف

او طواف کعبه و من طوف آن مولا کنم

آمدم این جا که با دیدار روی ماه او

عقده های قلب پر اندوه خود را وا کنم

بعد از این مپسند - یارب - با دو صد اندوه و غم

باز هم از دوری او دیده را دریا کنم (72)

**9 - حضور در حج**

به سفری رهسپاری که آخرین سفیر الهی (علیه السلام) نیز در ایام حج آن جا است و تکبیر و تهلیل و تسیحات، با ذکر او، از این سرزمین، به سوی آسمان بالا می رود! چه پیوند زیبایی! هوایی را استنشاق می کنی که یوسف زهرا (علیها السلام) در آن هوا نفس می کشد! . . .

عبید بن زراره می گوید: صادق آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: یفقد الناس امامهم یشهدالموسم فیراهم ولا یرونه؛ (73) مردم، امام خود را نیابند. او، در موسم حج، شاهد ایشان است و آنان را می بیند، اما آنان، او را نمی بینند.

ابومحمد حسن بن وحنای نصیبی، پنجاه و چهار مرتبه به حج بیت الله الحرام مشرف شد به امید آن که جمال یار را زیارت کند. بعد از رسیدن به آرزویش، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به او می فرماید: «ای حسن! آیا فکر کردی که امر تو بر من مخفی بود؟! به خدا قسم! هر حجی که انجام دادی، من با تو بودم . . .». (74)

لذا محمد بن عثمان عمروی، نایب دوم، در این خصوص، قسم جلاله یاد کرده و فرموده: «والله! ان صاحب هذا الامر لیحضر الموسم کل سنة یری الناس و یعرفهم و یرونه و لایعرفونه؛ (75) آن حضرت، هر سال، در موسم حج حضور می یابد و مردم را می بیند و می شناسد، اما مردم او را می بینند، ولی نمی شناسند.»

از ایشان سوال کردند: «شما حضرت (عج) را دیده اید؟». گفت: «بله. آخرین بار، حضرت را در بیت الله الحرام دیدم در حالی که می فرمود: "اللهم انجزلی ما وعدتني؛ پروردگارا! وعده هایی را که به من دادی، تحقق بخش."»  
نیز فرموده است: «آن حضرت را دیدم که پرده ی خانه ی کعبه را در مستنجا گرفته و می فرمود: "اللهم انتقم من اعدائی؛ پروردگارا! از دشمنان ام انتقام بگیر."» (76)

او، حضرت خضر نیز همراه او است. امام رضا (علیه السلام) در این باره می فرماید: «ان الخضر لیحضر الموسم کل سنة فیفضی جمیع المناسک و یقف بعرفة فیؤمن علی دعاء المؤمنین؛ (77) حضرت خضر، همه ساله، در موسم حج شرکت می کند و مراسم حج را انجام می دهد و در عرفات می ایستد و به دعای مؤمنان آمین می گوید.»

## 10 - حج، وصال یار

حضور سبز حضرت بقیة الله، حجة بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مراسم حج و بویژه در عرفات و منی، سبب شده که برخی از عاشقان حضرت اش، در ایام حج، گل روی او را مشاهده کنند و به آرزوی خود برسند.

رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند  
چنان نماند چنین نیز هم نخواهد ماند

علی بن مهزیار اهوازی می گوید: «من، بیست مرتبه به زیارت خانه خدا مشرف شدم، در حالی که در تمام این سفرها، قصدم، دیدن امام زمان (علیه السلام) بود؛ چون، شنیده بودم، هر سال، در ایام حج، آن حضرت، برای زیارت خانه ی خدا به مکه می رود، ولی در این بیست سفر، راه به جایی نبردم و موفق نشدم تا این که . . .». (78)

ادامه را از زبان این قلم بشنوید: تا این که آخرین بار، حج اش، حج شد و به منتهای آرزویش رسید، و جان تشنه اش را سیراب، و رخسار خسته اش را طراوت بخشید.

نصیب من، عرفات و مقام و مشعر کن  
به شوق دیدن خود، راهی منایم کن  
تمام حج، به لقای جناب حضرت تست  
عطا، در این سفر، از نعمت لقایم کن (79)

آیه الله سید محسن امین عاملی (رحمة الله علیه) صاحب کتاب ارزش مند اعیان الشیعة می گوید: «. . . این جانب، به مکه مشرف شدم و در همه جا، از طواف گرفته تا عرفات، منی و مشعر، دل در شور و عشق حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داشتم؛ چرا که با الهام از روایات و استفاده از اخبار، یقین داشتم که آن بزرگوار، همه ساله، در موسم حج، تشریف دارند و مناسک را به جای می آورد. از خدا خواستم که مرا به فیض دیدار نائل آورد، اما ایام حج سپری شد و موفق نشدم. در این اندیشه بودم که "چه کنم؟ آیا به لبنان برگردم و سال بعد برای زیارت و در پی مقصود بازگردم و یا این که همان جا رحل اقامت افکنده و از خدا، حجت او را طلب کنم؟".

پس از محاسبه ی بسیار، تصمیم بر ماندن گرفتم تا شاید خداوند مدد کند و توفیق یار گردد و به منظور برسم. تا مراسم سال بعد، ماندم، اما با همه ی تلاش و جست و جو، سال بعد هم توفیق دیدار نیافتم. باز هم ماندم و تا سال سوم و چهارم و پنجم و یا هفتم، این توقف ادامه یافت. در آخرین سال توقف ام در مکه که موسم حج فرا رسید، پس از انجام دادن مناسک حج، روزی پرده ی خانه کعبه را گرفتم و بسیار اشک ریختم و به بارگاه خداوند گله بردم که "چرا توفیق دیدار حاصل نیامده است؟"، تا این که پس از راز و نیاز . . .» (80) او هم موفق می شود و جان خسته اش را رونق و رمق می بخشد.

گر بنده بود بنده، کسی جانب او نیست  
بی پرده سراپرده ی آن شاه، توان یافت  
جز پرده ی عصیان، نبود حایل دیدار  
گر ابر گناهان رود آن ماه توان یافت  
ما را چه لیاقت به شرف یابی دائم  
این بس که گهی فرصت کوتاه، توان یافت (81)

این قولویه به سند خود از ابی عبدالله بن صالح روایت کرده است که آن حضرت را در برابر حجرالاسود دیده است . زمانی که مردم برای بوسیدن آن کشمکش می کردند، آن حضرت (علیه السلام) فرمودند: «به این نحو، مامور نشده اند .» (82) روزی که آخرین خورشید آسمان تاب ناک امامت و ولایت، از بام کعبه طلوع کند، برای ما رابطه و پیوند حج و ولایت بیش تر واضح خواهد شد .

### 11 - ظهور از کعبه

یکی دیگر از جلوه های پیوند کعبه و حج با ولایت، ظهور آن حضرت (عج) در کنار خانه ی خدا است . در برخی از روایات، «یوم الحج الاکبر» در آیه ی شریف «واذان من الله ورسوله الی الناس یوم الحج الاکبر (83)» تاویل به روز ظهور شده است . (84) امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

ان القائم اذا خرج، دخل المسجد الحرام فیستقبل الکعبة ویجعل ظهره الی المقام ثم یصلی رکعتین ثم یقوم، فیقول: «یا ایها الناس! انا اولی الناس بآدم . . . یا ایها الناس! انا اولی الناس بمحمد (85)؛ چون مهدی ظهور کند، به مسجد الحرام رود . رو به کعبه و شت به مقام ابراهیم بایستد و دو رکعت نمازگزارد . آن گاه صلا دهد: «ای مردمان! من ام یادگار آدم، یادگار ابراهیم، یادگار اسماعیل، یادگار محمد .»

در روایت دیگری، امام محمد باقر (علیه السلام) می فرماید:

«والقائم یومئذ بمكة عند الکعبة مستجیرا بها یقول: . . . «فمن حاجنی فی آدم فانا اولی الناس بابراهیم، ومن حاجنی فی نوح، فانا اولی الناس بنوح، و من حاجنی فی ابراهیم فانا اولی الناس بابراهیم، و من حاجنی فی محمد فانا اولی الناس بمحمد . . .» (86)

قائم، در آن روز، در مکه است و در خانه ی کعبه به مردم می گوید: «آن کس که از آدم سخن گوید، من وارث آدم هستم، و آن کس که از نوح سخن گوید، من وارث نوح هستم، و آن کس که از ابراهیم سخن گوید من وارث ابراهیم هستم، و آن کس که از محمد سخن گوید، من وارث محمدم .»

سپس یاران اش را فرا می خواند و آنان مانند پروانه، گرد شمع وجودش جمع می شوند .

امام صادق (علیه السلام) در این خصوص می فرماید:

یقف بین الرکن والمقام فیصرخ صرخة فیقول: «یا معاشر نقبائی واهل خاصتی ومن ادخرهم الله لنصرتی قبل ظهوری علی وجه الارض! انتونى طائعين . . .» (87)؛

در میان رکن و مقام می ایستد . آن گاه بانگ بر می آورد: «ای فرماندهان من! ای نزدیکان من! ای کسانی که خداوند پیش از ظهور من، آنان را برای یاری من در روی زمین ذخیره کرده است! به سوی من بشتابید و به فرمان من گردن نهید . . .» . در این لحظه، آنان، بانگ امام را می شنوند و به سوی او می شتابند .

آن گاه نوبت بیعت فرا می رسد (88) و حجر الاسود شاهد این ماجرا است و شهادت می دهد .

امام صادق (علیه السلام) در این رابطه می فرماید:

. والی ذالک المقام یسند القائم ظهره، و هو الحجة و الدلیل علی القائم، وهو الشاهد لمن و افا فی ذالک المكان والشاهد علی من ادى الیه الميثاق والعهد الذی اخذ الله عز وجل علی العبد (89)؛

حجرالاسود، تکیه گاه و دلیل و حجت برای حضرت مهدی (عج) است . به هنگام بیعت مردم با حضرت، شاهد بر وفای به عهد و میثاقی است که خداوند از بندگان در عالم ذر گرفته است .

از «مکان ظهور»، «سخنان حضرت به هنگام ظهور»، «جمع شدن یاران»، «شهادت حجر الاسود»، . . . پیوند عمیق حج و ولایت رخ می گشاید، اما سوال مهم این است که «به راستی چرا کعبه؟» .

از این که پیامبر در این سرزمین مبعوث شد و وارث اش امام حسین (علیه السلام) برای زنده ماندن دین جدش، از مکه شروع کرد و فرزندش، سالار ساجدان، پیام رسان کربلا، در معرفی خود، «انا ابن مکه و منی؛ انا ابن زمزم والصفاء، . . .» (90) فرمود، نقش و جایگاه استراتژی آن روش می شود . امروز، جهان غیر اسلام، کعبه را به عنوان مرکز اسلامی می شناسد و حتی برای مسلمانان نیز نقش محوری دارد . این نقطه، تنها جایگاهی است که همه ی فرقه های و نحله های اسلامی، گرد آن جمع می شوند . به حقیقت باید گفت، تنها عامل قوام و قیام مردم و زنده ماندن دین و مسلمانان و مقاومت آنان در برابر کفر، «کعبه» است .

خداوند تبارک و تعالی می فرمایند: «جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاما للناس» (91)؛ خداوند کعبه - بیت الحرام - را وسیله ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده است .

امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرماید: «ولایزال الدین قائما ما قامت الکعبة (92)؛ تا زمانی که کعبه پا بر جا است، دین اسلام نیز پا بر جا است .» . مولود کعبه و شهید محراب، امام علی (علیه السلام) از این کانون نور، «علم و پرچم اسلام یاد می نماید (93) که بر فراز ستیغ سراسر عظمت و افتخار تاریخ اسلام تعبیه و نصب گردیده است . این پرچم سرفراز و همیشه پیروز «بیت الله»، همواره نشانه ی «حاکمیت الله» خواهد ماند که هم قبله ی مقبلان عالم است و هم مقصد سالکان پای در راه و مطاف زائران دل آگاه .

از این رو، امام زمان قائم آل محمد (علیهم السلام) نیز در آغاز قیام جهانی خود، بر محور قیام و قوام جوامع انسانی، تکیه می فرماید و تمام جهان را از عدل و داد پر می کند .

### 12 - مطاف در دولت یار

منحرف شدن اسلام از مسیر اصلی اش بعد از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، و شدت فتنه هایی که در عصر غیبت حاصل می شود، تا جایی است که برخی، حج را برای تجارت و تفریح و نام و نان (94) و برخی از کشورهای اسلامی، از حج منع شده (95) و به سبب نا امنی راه ها، برخی حجاج، غارت (96) می شوند، منتها روزی که حضرت بقیة الله (علیه السلام) ظهور کنند، به جهت رشد تربیتی و اخلاقی (97) تمام این مشکلات حل می شود و همه ی زمان ها و مکان ها و افرادها، طعم شیرین عدالت را می چشند. بهره ی «مطاف» از این عدالت شنیدنی و دیدنی است!

امام صادق (علیه السلام) در این خصوص می فرماید: «اول ما يظهر القائم العدل ان ینادی منادیه: ان یسلم صاحب النافلة لصاحب الفریضة الحجر الاسود و الطواف (98)»؛ نخستین چیزی که از عدالت قائم ظاهر می شود، این است که منادی، اعلام می کند: آنان که طواف مستحبی می کنند، «مطاف» (محل طواف) و «حجر الاسود» را برای کسانی که طواف واجب می کنند، خالی کنند.»

یکی دیگر از جلوه های بهره ی این سرزمین مقدس از دولت کریمه ی امام زمان (عج) اصلاحاتی است که حضرت در سرتاسر جهان، از جمله، این سرزمین، انجام می دهد.

### 13 - حرمین و اصلاحات خاتم الاولیاء (عج)

این اصلاحات، مربوط به باز گرداندن مسجد الحرام، مسجد النبی و مقام ابراهیم به اندازه ی اصلی خودشان است. امام صادق (علیه السلام) در این رابطه می فرماید:

«القائم یهدم المسجد الحرام حتی یرده الی اساسه و مسجد الرسول (صلی الله علیه وآله وسلم) الی اساسه و یرد البیت الی موضعه و اقامه علی اساسه؛ (99) حضرت قائم (عج) ساختمان مسجد الحرام را ویران می کند و آن را به ساختمان نخستین و اندازه ی اصلی اش باز می گرداند. مسجد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را نیز پس از ویران کردن به اندازه ی اصلی اش باز می گرداند و کعبه را در جایگاه اصلی اش می سازد.»

نیز در روایت دیگری امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند، خانه ی خدا را به اندازه ی نخستین آن باز می گرداند.» (100)

می دانیم که مسجد الحرام پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) تا کنون بارها گسترش داده شده و از هر سو، بر آن افزوده شده است، اما با همه ی اینها باز هم به وضعیت اصلی خویش و نقطه ای که ابراهیم (علیه السلام) برای آن خط کشی کرد، نرسیده است، چرا که پایه ها و حدود اصلی آن از «حزوره» (101) یا نقطه ای می باشد که میان «صفا» و «مروه» است.

این مطلب را از امام صادق (علیه السلام) آورده اند که: در پاسخ فردی که از حدود مسجد الحرام می پرسید و می گفت: «آیا آنچه را به مسجد الحرام افزوده اند، جزو آن است یا نه؟»

فرمود: «آری! همه جزو مسجد الحرام است و با همه ی این افزودنها به مساحت آن، هنوز به آن نقشه خطی که ابراهیم و اسماعیل برای مسجد ترسیم کردند، نرسیده است.» (102)

و فرمود: «خط ابراهیم بمکه ما بین الحزورة الی المسعی، فذلک الذی خط ابراهیم.» (103) یعنی: ابراهیم (علیه السلام) در مکه میان «حزوره» تا نقطه ای که محل وسیعی است خط کشی کرد و این خط کشی و نقشه، حدود مسجد است.

و نیز «حسین بن نعیم» از امام صادق (علیه السلام) در مورد نماز خواندن در قسمتهای جدیدی از مسجد الحرام را میان صفا و مروه، تعیین کردند و مردم پیش از این تا صفا طواف می کردند. . . . (104)

مرحوم فیض کاشانی در مورد جمله ی امام صادق (علیه السلام) که می فرماید:

«فکان الناس یحجون الی الصفا.» یا بنا بر نسخه ی دیگری «یحجون من مسجد الصفاء.» دو احتمال می دهد:

نخست اینکه: ممکن است منظور این باشد که مردم تا صفا طواف می کردند.

دوم اینکه: از مسجد الحرام می بستند. (105)

به هر حال خلاصه ی این روایات، بیانگر این نکته است که مسجد الحرام در اصل، بسیار بزرگتر از مسجد الحرامی است که اکنون می نگریم و هنگامی که امام مهدی (علیه السلام) ظهور نماید، دیوار احاطه کننده ی مسجد را عقب می کشد و دیواری بر جایگاه اصلی آن، همان نقطه ای که ابراهیم و اسماعیل آن را برای مسجد الحرام خط کشی کردند بنیاد می کند و این کار، طواف بر گرد خانه دوست را برای عاشقان آسان می سازد بویژه که شمار زائران بیت الله نیز در عصر درخشان آن گرامی، به دهها میلیون نفر می رسد. (106)

در ادامه روایت گذشته آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«هنگامی که قائم بپا خیزد. . . مقام ابراهیم را به جایگاه اصلی آن باز می گرداند.» می دانیم که مقام ابراهیم، صخره ای است که آن پیامبر بزرگ به هنگام ساختن کعبه روی آن ایستاده است و آن صخره، در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در جوار کعبه بوده است.

از این رو از جمله کارهای امام مهدی (علیه السلام) پس از ظهور در مکه مکرمه، بازگرداندن «مقام ابراهیم» به جوار کعبه و جایگاه اصلی آن است و این از کارهایی است که طواف بر گرد خانه خدا را آسان می سازد چرا که در آن صورت دیگر لازم نیست که طواف تنها میان رکن و مقام باشد، بلکه تنها طواف بر گرد کعبه کافی است، گرچه اکنون به فتوای برخی فقها، طواف میان رکن و مقام واجب است که این، با بازگشت دادن مقام به جای اصلی خود برداشته می شود و طواف بر گرد کعبه،



کفاید می کند .

یکی دیگر از بهره مندی های کعبه که در خاتمه ی این روایات آمده، تسویه حساب با سارقان کعبه است . در حقیقت، امام زمان (عج) به هنگام ظهور، کعبه را از لوث آنان پاک می فرماید .

#### 14 - تولیت کعبه و اقدامات خاتم الاولیاء (عج)

قیام برای تطهیر کعبه و نجات آن از دست اشراک، آیین ابراهیمی است؛ زیرا، خداوند می فرماید: «و عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهرا بیتی (107)» ؛ و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه ام را پاک و پاکیزه کنید .

گفتنی است، تولیت این بنا ی توحید تا زمان خلیل خزاعی، به دست قبیله ی خزاعه بود و او پس از خود، آن را به دخترش سپرد و تحت تولیت «قصی بن کلاب» در آمد . او، کلیدداری کعبه را به مردی از قبیله ی خزاعه به نام «ابو غبشان» وا گذاشت و «ابو غبشان» این افتخار را در برابر یک شتر و یک مشک شراب به «قصی بن کلاب» فروخت . مثل معروف «اخرسر من صفقة ابی غبشان» از این قضیه برگرفته شده است . (108) و این تولیت، در گذر زمان، به دست افراد نالایقی سپرده شد که نمونه ی بارز آن را نعمانی در الغیبه ی خود چنین نقل می کند:

سدیر صیرفی از مردی از اهل جزیره، نقل می کند که او، کنیزی را به نذر، بر خویشتن واجب کرده بود که به خانه ی خدا دهد (یعنی نذر خانه ی خدا کرده بود). او را به مکه آورد . آن شخص گوید: من، پرده داران خانه را ملاقات کردم و ایشان را از آن کنیز آگاه ساختم و برای هر کسی از ایشان موضوع را بیان می کردم، می گفت: «او را نزد من بیاور که خدا نذرت را خواهد پذیرفت» .

پس وحشت شدیدی از این موضوع به من راه یافت . لذا ماجرا را به یکی از یاران که اهل مکه بود گفتم . او به من گفت: «آیا از من می پذیری؟» . گفتم: «آری» . گفت: «بنگر به مردی که رو به روی حجر الاسود نشست است و مردانی گرد اویند . او، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (امام باقر) (علیه السلام) است . نزد او برو و او را از این امر آگاه کن . بین به توجه می گوید» .

نزد او رفتم . گفتم: «خدا، تو را رحمت کند! من مردی از اهل جزیره ام و همراه من کنیزی است که در سوگندی که بر عهده ی من بود، او را نذر خانه ی خدا کرده ام و اکنون او را آورده ام و این جریان را به پرده داران نیز گفته ام و همه می گویند، کنیز را به ما بده، خداوند نذرت را قبول می کند، و من ناراحت هستم» .

حضرت فرمود: «ای بنده ی خدا! همانا، خانه، نه چیزی می خورد و نه می آشامد . کنیز خود را بفروش و جست و جو کن و به همشهریان ات که به زیارت این خانه آمده اند، نگاه کن . هر که از ایشان، خرجی اش تمام شده، آن مبلغ را به او بده» . من نیز همان کار را کردم . بعد از آن، هر کدام از پرده داران را ملاقات می کردم، می گفت: «کنیز را چه کردی؟» . آنان را به فرمایش امام (ع) مطلع کردم . آنان به من گفتند: «او، مردی دروغ گو و ناآگاه است که نمی داند چه می گوید . . . !» من حرف آنان را به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم . آن حضرت (علیه السلام) فرمود: «تو، سخن آنان را به من گفتی . آیا سخن مرا نیز به ایشان خواهی گفت؟» . عرض کردم: «آری» . فرمود: «به ایشان بگو: ابوجعفر به شما پیغام داد، چه گونه خواهید بود اگر دست ها و پاهایتان بریده شود و در کعبه آویخته گردد، سپس به شما گفته شود: "فریاد کنید که ما دزدان کعبه ایم؟"» .

پس هنگامی که خواستم برخیزم، فرمود: «البته، من، خودم، آن کار را نمی کنم، بلکه آن را مردی از خاندان من انجام خواهد داد» . (109)

امام صادق (علیه السلام) در این خصوص می فرماید:

اما ان قائمنا لوقد قام لقد اخذهم فقطع ایدیهم و طاف بهم وقال: «هولاء سراق الله (110)» ؛ وقتی قائم ما قیام کند، ایشان را بگیرد و دستان شان را قطع کند و به خواری، در کوی و برزن بگرداند و بگوید: «اینان، دزدانی هستند که از خدا می دزدند» . در روایت دیگری می فرماید: «... و قطع ایدی بنی شیبیه السراق و علقها علی الکعبه؛ (111) دستان طایفه بنی شیبیه را که از دزدان کعبه هستند، قطع می کند و بر کعبه می آویزد» .

گفتنی است که در عصر ظهور، سارقان کعبه که در زمان امام صادق (علیه السلام) می زیستند، زنده نیستند، لذا شاید اینان، از افراد خطاکاری باشند که در زمان رجعت، به دنیا باز گردند .

بنا بر احتمال قوی تر کسانی که در عصر ظهور به کردار ناشایست آنان راضی و خشنود باشند، مشمول این حکم فرار گیرند؛ زیرا، این قضیه در روایت امام رضا (علیه السلام) بعد از پرسش و پاسخ هروی از امام (علیه السلام) درباره ی علت به کیفر رسیدن بازماندگان قاتلان امام حسین (علیه السلام) مطرح شده است که به فرموده ی امام هشتم، گویای این حقیقت است که هر کس از چیزی خشنود باشد، مانند آن است که آن کار را انجام داده باشد . اگر مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب به کشته شدن او خشنود باشد، نزد خداوند شریک گناه قاتل است» .

هروی در ادامه می پرسد: «بای شیء پیدا القائم منکم اذا قام؟» . قال: «بیدا بینی شیبیه فیقطع ایدیهم لانهم سراق بیت الله عزوجل (112)» . ؛ قائم شما از چه طایفه ای شروع می کند؟ فرمود: «از بنی شیبیه شروع می کند . دست های آنان را قطع می کند؛ زیرا آنان دزدان خانه ی خدا در مکه ی معظمه هستند» .

بنابراین، همه جای جهان امن می شود، خصوصا این اماکن مقدس و راه هایی که به آن ختم می شود

#### 15 - امام زمان (عج) و امنیت حرم

یکی دیگر از بهره های حرم، امنیتی است که در دولت کریمه ی امام زمان (عج) بر آن سایه می افکند

امام صادق (علیه السلام) پس از توبیخ و مؤاخذه ی ابوحنیفه به خاطر انحراف علمی و برداشت های ناقص اش، از او می پرسد: «منظور از «سیروا فیها لیالی وایاما آمینین» چیست؟». ابوحنیفه گفت: «گویا، مراد، پیمودن فاصله ی میان مکه و مدینه باشد.».

امام (علیه السلام) پاسخ نقضی به او داد و فرمود: «پس رهنی هایی که میان مکه و مدینه صورت می گیرد، چیست؟». ابوحنیفه، عاجزانه ساکت شد.

آن گاه امام (علیه السلام) فرمود: «مراد خداوند از «ومن دخله کان آمنا» کدام نقطه از زمین است؟». ابوحنیفه گفت: «مراد، کعبه است.».

امام (علیه السلام) فرمود: «پس چه گونه برای ابن زبیر که در کعبه متحصن شده بود، آن گاه که حجاج کعبه را به منجیق بست و ویران کرد و او را گرفت و کشت، امن نبود؟». او، ساکت مانده بود.

آن گاه ابوبکر حضرمی به امام صادق (علیه السلام) عرض کرده: «جواب این دو سوال چیست؟». آن حضرت فرمود: «هنگامی که قائم آل محمد (عج) ظهور کند، همه ی این راه ها امن خواهد شد و هر کس با او بیعت کند و در جمع سپاهیان او در آید، در امان خواهد بود.» (113)

بنابراین، بر زائران محترم، بایسته است که در این نکات دقت کنند و مهم ترین وظیفه ای که در این سفر بر عهده دارند، انجام دهند.

### حرف آخر

مرحوم آیه الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی، در بیان وظایف انسان ها نسبت به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در این خصوص می نویسد:

«حج رفتن به نیابت از آن حضرت و فرستادن نائب که از طرف آن جناب حج انجام بدهد و طواف بیت الله الحرام به نیابت از او و نائب ساختن دیگری تا از طرف آن حضرت طواف کند. این کار، میان شیعیان، در روزگار قدیم، متداول و مرسوم بود، و چندین روایت در استحباب این امر وارد شده است. نیز زیارت مشاهد رسول خدا و ائمه ی معصوم (علیهم السلام) به نیابت از مولایمان صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و گرفتن نائب به این جهت، علاوه بر استحباب، از وظایف منتظران است.» (114)

پی نوشت ها:

1) نغمه های ولایت، سید رضا مؤید، ص 271.  
2) امام صادق (علیه السلام): «لیس شی افضل من الحج الا الصلاة و فی الحج هنا صلاة» (وسائل الشیعة، ج 8، ص 77، ح 2).

3) جواهر الکلام، ج 17، ص 214.

4) علل الشرایع کتاب الحج، ص 399; کتاب من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 159.

5) حج: 27.

6) بقره: 125.

7) امام جعفر صادق (علیه السلام) «بنی الاسلام علی خمس: علی الصلاة والزکاة والصوم والحج والولاية و لم یناد بشیء کما نودی بالولاية» (اصول کافی، ج 2، ص 21). در روایت دیگری، زراره، از امام صادق (علیه السلام) می پرسد: «ای شیء من ذالک افضل؟». فقال: «الولاية افضل؛ لانها مفتاحهن، والوالی هو الدلیل علیهن . . .». (وسائل الشیعة، ج 1، ب 1، ح 2). لذا هشتمین حجت خدا، امام رضا (علیه السلام) در بیان مقامات امامت، اشاره ای به این مطلب می کند و می فرماید: «. . . بالامام تمام . . . الحج؛ تمامیت حج به وسیله ی امام است.» (کافی، باب نادر جامع فی فضل الامام وصفاته، ج 1، ص 256، ح 1).

8) جواهر الکلام، ج 17، ص 214.

9) امام صادق (علیه السلام): «. . . ما یعدله شیء . . .» (وسائل الشیعة، ج 8، ص 78، ح 7 و ص 77، ح 3).

10) مستدرک الوسائل، ج 8، باب 24، ح 22.

11) امام صادق (علیه السلام): «. . . اما لو ان رجلا قام ليله و صام نهاره و تصدق بجمیع ماله و حج جمیع دهره و لم یعرف ولاية ولی الله فیوالیه و یكون جمیع اعماله بدلالته الیه . ما کان له علی الله جل و عز فی ثوابه و لا کان من اهل الایمان . . .» (اصول کافی، ج 2، ص 23).

فقیه و محدث عالی مقام، شیخ حر عاملی (رحمة الله علیه) در وسائل الشیعة، بابی را تحت همین عنوان قرار داده است: «باب بطلان العبادة بدون ولاية الائمة (علیهم السلام)، و اعتقاد امامت» (ج 1، ص 118، ب 29) و در آخر می فرماید: «والاحادیث فی ذالک كثيرة جدا».

12) امام باقر (علیه السلام): «بنی الاسلام علی خمس . . . فجعل فی اربع منها رخصة و لم یجعل فی الولاية رخصة . . . و من لم یکن عنده مال فلیس علیه حج و من کان مریضا، صلی قاعدا و افطر شهر رمضان . والولاية صحیحا کان او مریضا، او ذا مال او لامال له فهی لازمة.» (خصال، باب پنج گانه، ح 21; وسائل الشیعة، ج 1، ب 1، ح 24). در حقیقت، همان طوری که امام صادق (علیه السلام) فرمودند، آغاز و انجام حج و سایر عبادات، معرفت به ولایت است: «. . . فاتحة ذالک کله معرفتنا و خاتمه معرفتنا.» (بحار الانوار، ج 27، ص 202).

- (13) النظر الى الكعبة العبادية; (وسائل الشيعة، ج 9، ص 364).
- (14) بحارالانوار، ج 3، ص 7; صهبای حج، آية الله جوادى آملی، ص 240 - 241 .
- (15) وسائل الشيعة، ج 9، ص 364 .
- (16) وسائل الشيعة، ج 9، ص 349 .
- (17) صهبای حج، ص 241 .
- (18) توبه: 19 .
- (19) برای اطلاع بیش تر درباره ی این فضیلت و مشخصات مدارک اهل سنت، به کتاب احقاق الحق، ج 3، ص 122 - 127 مراجعه شود .
- (20) مستدرک الوسائل، ج 10، ص 166 .
- (21) ر . ک: بحارالانوار، ج 46، ص 261; مناقب، ج 4، ص 234 و 235; صهبای حج، ص 335 - 341 .
- (22) در این زمینه، روایات گوناگونی وارد شده است که به برخی اشاره می شود:
- (الف) ولادت حضرت اسماعیل (علیه السلام) در سن پیری حضرت ابراهیم و بردن او و مادرش به سرزمین مکه، (بحارالانوار، ج 12، ص 113).
- (ب) ماموریت ذبح اسماعیل (علیه السلام). (مجمع البیان، ج 1، ص 200 . البته در روایت دیگری آمده است که حضرت ابراهیم (علیه السلام) پس از رسیدن به مقام امامت، ماموریت ذبح را دریافت می کند . (بحارالانوار، ج 12، ص 125).
- (ج) بنای کعبه و انجام دادن مناسک حج . (مجمع البیان، ج 1، ص 200 . ر . ک: مجله ی میقات حج، ش 32، ص 197، مقاله ی آقای سیدجواد ورعی، پیوند حج با امامت و ولایت).
- (23) بقره: 124 .
- (24) امام باقر (علیه السلام) : . . . والقائم يومئذ بمكة، عند الكعبة مستجيرا بها يقول: «. . . و من حاجنى فى ابراهيم فانا اولى الناس بابراهيم . . .» (بحارالانوار، ج 52، ص 305).
- (25) جنة الماوى، آية الله كاشف الغطاء، ص 305 ; كرامات معصوميه، على اكبر مهدى پور، ص 5 .
- (26) ر . ک: مروج الذهب، ج 2، ص 349 ; شرح الشفاء، ج 1، ص 151 .
- (27) مستدرک حاکم، ج 3، ص 483 .
- (28) شرح قصیده ی عبدالباقی افندی، ص 15، (به نقل از فروغ ولایت، ص 35).
- (29) کعبه ای که ارکان آن به دست آدم صفی الله، و قواعد آن توسط قهرمان توحید، ابراهیم خلیل الله، مستحکم گردید، به خاطر مادر امام، دیوارش شکافته می شود و ولی خدا در خانه ی خدا متولد می شود، چرا که ارزش هر چیزی به پایه ها و ارکان آن است . و ائمه (علیهم السلام) در زیارت جامعه به «ارکان البلاد» معرفی شده اند . لذا رکن کعبه و مکه امام است و رکن عالم موجود در این عصر، حضرت مهدی (علیه السلام) است که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «لوبيقیت الارض بغير امام لساخت، (كافى، كتاب الحجۃ باب ان الارض لاتخلوا من حجة).
- (30) مسند، احمد بن حنبل، ج 1، ص 136، ج 645 ; جامع الاحادیث، ج 16، ص 272، ج 7927 ; المصنف، ج 8، ص 534، ج 9 و . . . (به نقل از الغدير، ج 7، ص 10 - 13).
- (31) ر . ک: مسند، احمد بن حنبل، طبع مصر، ج 1، ص 150، 231، و ج 3، ص 212; خصائص نسایی، ص 28; تفسیر ابن کثیر، ج 2، ص 322 ; جامع الاصول، ج 9، ص 475 .
- (32) امام باقر (علیه السلام) می فرماید: که امام علی (علیه السلام) این چنین خطبه خواند: لایطوفن بالبيت عربان و لایحجن البيت مشرک . . . . « (مجمع البیان، ذیل آیه ی 3 سوره ی براءت).
- (33) الاحتجاج، ج 2، ص 133 - 135: «حج رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) من المدينة و قد بلغ جميع الشرايع قومه غيرالحج والولاية، فاتاه جبرئیل (علیه السلام) فقال له: يا محمد! ان الله جل اسمه یقرؤک السلام و یقول لك: «. . . فريضة الحج و فريضة الولاية والخلافة من بعدك; فانی لم اخل ارضی من حجة و لن اخیلها ابدا" . . .» .
- (34) عوالی اللغالی، ج 1، ص 197 .
- (35) همان، ص 215 .
- (36) مائده: 67 .
- (37) ر . ک: الغدير، ج 1، ص 9 به بعد .
- (38) مائده: 3 .
- (39) حج، محسن قرائتی، ص 74 (با اندکی تغییر و تصرف).
- (40) گردی از رهگذر دوست، مهندس علی اصغر یونسیان، ص 362 .
- (41) اگرچه روزه ی آن روز مستحب است، لکن اگر روزه گرفتن آن روز موجب ضعف شود، آن گونه که انسان نتواند دعاهاى این روز را بخواند، خواندن دعا بر روزه گرفتن مقدم است . (بحارالانوار، ج 94، ص 123 و 124).
- (42) خداوند به خاطر اشک و دعای زائران بر فرشتگان مباحثات می کند (کنز العمال، ج 5، ص 13). امام باقر (علیه السلام) از ظهر تا غروب عرفه، دو دست خود را به سوی آسمان بالا می برد و دعا می کرد (مستدرک الوسائل، ج 2، ص 164).
- (43) صحیفه ی سجادیه، دعای 47: «اللهم! انک ایدت دینک فی کل اوان بامام اقمته علما لعبادک . . .» (44) اصول کافی، کتاب

- الحجة، باب فى الغيبة، ج 5 .
- (45) بحارالانوار، ج 26، ص 281 .
- (46) آل عمران: 97 .
- (47) تفسیر عیاشی، ج 1، ص 190: « . . . یدخله المرجی والقدری والحروری والزندیق الذی لایؤمن بالله و من دخله و هو عارف بحقنا کما هو عارف له خرج من ذنوبه و کفی هم الدنيا و الآخرة . » .
- (48) کافی، ج 4، ص 549 .
- (49) کافی، ج 1، ص 392، ج 1؛ تفسیر عیاشی، ج 2، ص 234، ج 43: «هكذا كانوا يطوفون فى الجاهلية . انما امروا ان يطوفوا بها ثم بنفروا البنا فیعلمونا ولایتهم و یعرضوا علینا نصرتهم . » .
- (50) ابراهیم: 37 .
- (51) بحارالانوار، ج 24، ص 237 . از این که مرحوم کلینی، بابی را به نام «باب ان الواجب على الناس بعد ما یقضون مناسکهم ان یاتوا الامام فیسالوه عن معالم دینهم و یعلموه ولایتهم و مودتهم له » آورده، فهمیده می شود، رفتن نزد امام (علیه السلام)، واجب است . (کافی، ج 1، ص 455، باب 96).
- (52) حج: 27 .
- (53) کافی، ج 4، ص 549، ج 1؛ من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 558، ج 3139؛ وسائل الشیعة، ج 10، ص 252: «انما امرالناس ان یاتوا هذه الاحجار فیطوفوا بها ثم یاتونا فیخبرونا بولایتهم و یعرضوا علینا نصرهم . » . در روایتی دیگر سدید می گوید: در حالی که امام باقر (علیه السلام) به خانه ی خدا وارد می شد و من بیرون می آمدم، دست مرا گرفت، سپس رو به کعبه کرد و فرمود: «ای سدید! همانا مردم مامور شده اند که نزد این سنگ ها آمده، طواف کنند، سپس نزد ما آیند و همبستگی و ولایت شان را به ما اعلام کنند . » . (کافی، ج 1، ص 392، ج 3).
- (54) نهج البلاغه، ج 3 .
- (55) تفسیر المیزان، ج 3، ص 363 .
- (56) تفسیر نورالثقلین، ج 3، ص 491 .
- (57) سیمای مهدی موعود . . . ، محمد نعیمی، ص 364 .
- (58) بقره: 196 .
- (59) وسائل الشیعة، ج 10، ص 254؛ بحارالانوار، ج 96، ص 374 .
- (60) بحارالانوار، ج 96، ص 374 .
- (61) کافی، ج 4، ص 549 .
- (62) حج: 29 .
- (63) کافی، ج 4، ص 549: « . . . ان للقرآن ظاهرا و باطنا و من یحتمل ما یحتمل ذریح . » .
- (64) کلیات دیوان الهی قمشه ای، بخش اسرار حج، ص 956 .
- (65) در این رابطه ر . ک: بحارالانوار، ج 2، ص 287 .
- (66) کتاب من لایحضره الفقیه، باب من اراد الکعبه بسوء، ج 2، ص 248 و 249؛ وافی، ج 12، ص 52 .
- (67) انبیاء: 30 .
- (68) انفال: 24 .
- (69) حج، محسن قرائتی، ص 73 (با اندکی تصرف و تغییر).
- (70) صبورى اصفهانی، سیمای مهدی موعود (علیه السلام) در آینه ی شعر فارسی، ص 363 .
- (71) مفاتیح الجنان، دعای عهد .
- (72) نوای فراق، ص 262 . اگر عاشقی عازم خانه خدا باشد و بخواهد در شهر و دیار خود این غزل را با مولایش (عج) زمزمه کند، لازم است کلمات «این جا» را به «می روم آن جا» و کلمه «این» را در بیت آخر به «آن» تبدیل کند .
- (73) اصول کافی، ج 1، ص 337؛ کمال الدین، باب 33، ج 2، ص 23 .
- (74) بحارالانوار، ج 52، ص 32؛ کمال الدین، ج 2، ص 442، باب 43 . مرحوم محقق خویی (رحمة الله علیه)، «حسن بن وحنای نصیبی» را در معجم رجال الحدیث، ج 5، ص 130، ضمن ذکر این واقعه، وی را توثیق کرده است .
- (75) کتاب من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 520؛ کمال الدین، ج 2، ص 440 .
- (76) کمال الدین، ج 2، ص 440؛ بحارالانوار، ج 52، ص 30؛ وسائل الشیعة، ج 9، ص 360 .
- (77) بحارالانوار، ج 52، ص 152 .
- (78) دلائل الامامة، ص 296؛ بحارالانوار، ج 52، ص 9؛ منتهی الآمال، ج 2، ص 439 .
- (79) نغمه ی انس، علی اصغر یونسیان (ملتیجی)، ص 100 .
- (80) کرامات صالحین، شریف رازی، ص 91 (به نقل از دیدار با امام زمان در مکه و مدینه، ص 98).
- (81) خلوت گاه راز، حبیب الله چایچیان (حسان)، ص 278 .
- (82) ارشاد، شیخ مفید، ص 680؛ بحارالانوار، ج 52، ص 60 .
- (83) توبه: 3 .

- 84) تفسیر عیاشی، ج 2، ص 76، ح 15 .
- 85) بحارالانوار، ج 51، ص 59 .
- 86) همان، ج 52، ص 305 . در روایت دیگر امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «اذا اذن الله عزوجل للقائم فی الخروج سعد المنبر و دعا الناس الی نفسه وناشد هم بالله ودعاهم الی حقه . . .» . (بحارالانوار، ج 52، ص 337).
- 87) بحارالانوار، ج 52، ص 333 ; الغیبة، طوسی، ص 284; (به نقل از روزگار رهایی، ج 1، ص 425).
- 88) امام باقر (علیه السلام) می فرماید: (کانی بالقائم . . . بین الرکن والمقام بین یدیه جبرئیل (علیه السلام) ینادی البیعة لله « . بحارالانوار، ج 52، ص 290 .
- 89) کافی، ج 4، ص 185 .
- 90) بحارالانوار، ج 45، ص 138 .
- 91) مائده: 97 .
- 92) وسائل الشیعه، ج 8، ص 14 .
- 93) نهج البلاغه، خ 1، ص 45: « . . . جعله سبحانه و تعالی للاسلام علما وللعائذین حرما . . . » .
- 94) پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) : «یحج اغنیاء امتی للنزهة ویحج اوسطها للتجارة ویحج فقراؤها للریاء و سمعة « (روزگار رهایی، ج 2، ص 794).
- 95) امام باقر (علیه السلام) : «فاذا فعلوا ذالک منعوا من الحج ثلاث سنین . . .» . (روزگار رهایی، ج 2، ص 917). نیز در این زمینه به صفحات 804 ، 810 ، 811 ، 913 ، 918 ، 1128 مراجعه کنید .
- 96) پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) : « . . . وعلامته ان ینهب الحاج . . .» . (روزگار رهایی، ج 2، ص 865). نیز مراجعه شود به ص 904 و 921 .
- 97) ر . ک: پیدای پنهان، پورسید آقایی، ص 35 .
- 98) کافی، ج 4، ص 427; کتاب من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 161; بحار الانوار، ج 52 ، ص 374 .
- 99) ارشاد، ص 705; الغیبة، طوسی ص 297; الغیبة، نعمانی، ص 171; اعلام الوری، ص 431; کشف الغمة، ج 3، ص 255; اثبات الهداة، ج 3، ص 516; بحارالانوار، ج 52، ص 332 .
- 100) بحارالانوار، ج 52، ص 338 .
- 101) واژه «حزوره» بر وزن «قسوره» نام مکانی میان صفا و مروه است، کافی، ج 4، ص 539 .
- 102) کافی، ج 4، ص 210، باب فضل الصلاة فی المسجد الحرام .
- 103) کافی، ج 4، ص 210، ح 12 .
- 104) تهذیب، ج 5، ص 453، ح 1584 .
- 105) وافی، چاپ قدیم، ج 2، جزء 8، ص 28، باب حج ابراهیم .
- 106) امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص 666 .
- 107) بقره: 125 .
- 108) تفسیر المیزان، ج 3، ص 363 ; صهای حج، ص 127 .
- 109) الغیبة، نعمانی، باب 13، ص 332، ح 25 .
- 110) وسائل الشیعه، ج 9، ص 355 .
- 111) ارشاد، ص 705; بحارالانوار، ج 52 ، ص 332 .
- 112) علل الشرایع، ج 1، ص 219; عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 273; بحارالانوار، ج 52، ص 313; اثبات الهداة، ج 3، ص 455 .
- 113) بحارالانوار، ج 2، ص 292 - 294: «سیروا فیها لیالی وایاما آمنین» مع قائمنا اهل البیت . واما قوله تعالی «من دخله کان آمنا» فمن بایعه و دخل معه و مسح علی یده و دخل فی عقد اصحابه کان آمنا .» .
- 114) مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم (عج)، ج 2، ص 310 - 318 (با تلخیص).